

بنام خدا

تهران بریفینگ (پایش روزانه) | شماره ۰۰۰۹ | جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

پایش راهبردی ایران

رصد، تحلیل و دلالت‌سنجی روزانه روایت‌های بیرونی درباره ایران

عنوان شماره: جنگی که از هرمز فراتر رفت؛ ایران در آینه اختیارات جنگی آمریکا، اقتصاد سایه چین و گذار انرژی جهانی
پنجره رصد: پنج‌شنبه ۳۰ آوریل ۲۰۲۶

تهیه و تدوین: مجتبی تویسرکانی | m_touiserkani@ut.ac.ir

رصد

در رصد ۳۰ آوریل، هرمز همچنان شاخص اصلی بحران بود، اما دیگر همه تصویر را توضیح نمی‌داد. گزارش‌های روز نشان دادند جنگ ایران هم‌زمان در چند میدان بازتولید می‌شود: در تنگه هرمز به شکل محاصره و عبورهای سایه؛ در واشنگتن به شکل مناقشه بر سر اختیارات جنگی؛ در تهران به شکل سخت‌تر شدن زبان هسته‌ای و موشکی؛ در چین به شکل شبکه‌های پشتیبان اقتصاد جنگ؛ و در اروپا و آسیا به شکل تورم انرژی و بازاندیشی در امنیت سوخت.

در **خوشه نخست، واشنگتن‌پست** بن‌بست تهران و واشنگتن را به‌عنوان «مسابقه زمان» توصیف کرد: ترامپ می‌خواهد محاصره تا توافق هسته‌ای ادامه یابد، ایران می‌خواهد ابتدا وضعیت جنگی و محدودیت عبور از هرمز تعیین تکلیف شود. در همین چارچوب، **شورای روابط خارجی** گزارش داد ترامپ پیشنهاد ایران را رد کرده و محاصره دریایی را ابزار فشار برای کشاندن تهران به توافق هسته‌ای می‌داند. تفاوت مهم این روز با روزهای قبل این بود که مسئله دیگر فقط «پیشنهاد ایران» نبود؛ سؤال اصلی این شد که آیا بن‌بست می‌تواند به وضعیتی نیمه‌پایدار تبدیل شود. **الجزیره** همین وضعیت را «درگیری منجمد» خواند: نه جنگ کامل، نه صلح معتبر، بلکه فرسایشی پرهزینه که در آن هیچ طرفی روایت پیروزی ندارد.

اما هرمز فقط از زاویه انسداد دیده نشد. **الجزیره** در یک گزارش داده‌محور درباره «ناوگان سایه» نشان داد بخشی از شبکه‌های مرتبط با تجارت ایران، حتی در دوره جنگ و محاصره، از مسیرهای خاکستری، پرچم‌های مشکوک، خاموش کردن ردیاب‌ها و شرکت‌های پوششی برای عبور از محدودیت‌ها استفاده کرده‌اند. این گزارش از آن جهت مهم است که تصویر هرمز را از یک دوگانه ساده «باز/بسته» بیرون می‌آورد. هرمز در عمل به صحنه‌ای از جنگ شفافیت و پنهان‌سازی تبدیل شده است؛ جایی که کشتی، پرچم، مالکیت و بیمه، خود به ابزار سیاست تبدیل می‌شوند.

خوشه دوم، بحران اختیارات جنگی در آمریکا بود. **واشنگتن‌پست** گزارش داد پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در سنا استدلال کرده که آتش‌بس با ایران شمارش معکوس ۶۰ روزه قانون اختیارات جنگی را متوقف می‌کند. **فارین پالیسی** نیز همین موضوع را به‌عنوان فشار تازه بر دولت ترامپ بازتاب داد. اهمیت این خوشه در این است که کاخ سفید می‌کوشد جنگ را

برای کنگره «پایان یافته» و برای ایران «ادامه دار» تعریف کند: آتش بس برای عبور از نظارت کنگره، محاصره برای حفظ فشار. **واشنگتن پست** نیز در گزارشی جداگانه همین منطق را روشن تر کرد: دولت آمریکا می گوید جنگ به دلیل آتش بس «خاتمه یافته»، اما ابزارهای جنگی و اقتصادی همچنان فعال اند.

خوشه سوم، سخت تر شدن زبان هسته ای و موشکی ایران بود. **مؤسسه مطالعه جنگ** در گزارش ویژه ۳۰ آوریل، موضع ایران درباره حفظ کنترل بر عبور از هرمز و تداوم ظرفیت های هسته ای و موشکی را نشانه ای از پایداری اهرم های تهران دانست. **واشنگتن پست** نیز از طریق گزارش آسوشیتدپرس، سخنان آیت الله سید مجتبی خامنه ای را برجسته کرد که توان هسته ای و موشکی ایران را دارایی ملی خوانده بود. در نتیجه، پرونده هسته ای در روایت روز فقط یک موضوع فنی نبود؛ به نماد هزینه های سیاسی واگذاری پس از جنگ تبدیل شد.

خوشه چهارم، چین و اقتصاد سایه بود. **بنیاد دفاع از دموکراسی ها** در گزارشی تحلیلی نوشت چین از چند مسیر به تاب آوری ایران کمک می کند: خرید نفت، شبکه های دورزدن تحریم، اقلام دوکاربردی مرتبط با برنامه موشکی، و پوشش دیپلماتیک محدود اما اثرگذار. این گزارش گرایش آشکار ضدایرانی دارد، اما از نظر رصدی مهم است؛ چون نشان می دهد در واشنگتن، مسئله ایران بیش از پیش به رقابت تحریمی با چین و کنترل شبکه های خاکستری تجارت پیوند می خورد. در همین فضا، **الجزیره** از زاویه روسی نوشت پشتیبانی سیاسی مسکو از ایران، حتی بیش از کمک نظامی، در شکل دهی به توازن جنگ اهمیت داشته است.

خوشه پنجم، انتقال جنگ ایران به حوزه انرژی جهانی و سیاست پولی بود. **رویترز** به نقل از دبیر اقلیمی سازمان ملل نوشت جنگ ایران در حال شتاب دادن به گذار انرژی پاک است، زیرا دولت ها آسیب پذیری وابستگی به نفت و گاز عبوری از گلوگاه های جنگی را لمس کرده اند. **رویترز** نیز از قول رئیس آژانس بین المللی انرژی نوشت جهان با یکی از بزرگ ترین بحران های انرژی تاریخ روبه روست. این بحران به بانک های مرکزی هم رسیده است: **رویترز** گزارش داد بانک مرکزی اروپا نرخ ها را ثابت نگه داشت، اما درباره اثر جنگ ایران بر تورم و رشد هشدار داد؛ **رویترز** نیز نوشت بانک مرکزی انگلستان سناریوهای تورمی ناشی از جنگ ایران را بررسی کرده است.

در **خوشه ششم**، بحث راه خروج دوباره به اندیشکده ها برگشت. **مرکز مطالعات الجزیره** جنگ ایران را «بن بست چندلایه راهبردی» خواند؛ وضعیتی که در آن ایران با وجود ضربات سنگین باقی مانده، هرمز را به اهرم تبدیل کرده و آتش بس، محاصره و مذاکرات اسلام آباد هیچ کدام روایت پیروزی نساخته اند. **دفاع پرایوریتیز** از زاویه واقع گرایانه نوشت آمریکا باید توافق محدود برای بازگشایی هرمز و پایان جنگ را جدی بگیرد و مطالبات حداکثری درباره همه پرونده های ایران را کنار بگذارد. **فارین پالیسی** نیز زاویه ای متفاوت گشود و ایران را در پیوند با گروه ها و جوامعی دید که خود را در برابر نظم مسلط جهانی و منطقه ای «نادیده گرفته شده» می دانند.

فرا تحلیل

رصد ۳۰ آوریل نشان می دهد جنگ ایران از سطح بحران دریایی عبور کرده و به آزمون چند نظم تبدیل شده است. نخست، نظم حقوقی آمریکا: دولت ترامپ می خواهد برای کنگره بگوید جنگ پایان یافته، اما برای ایران محاصره و فشار را ادامه دهد.

این دوگانگی اگر ادامه یابد، نقطه آسیب‌پذیر واشنگتن خواهد شد؛ زیرا نمی‌توان هم از پایان جنگ برای فرار از مجوز کنگره سخن گفت و هم از محاصره به‌عنوان ابزار اجبار استفاده کرد.

دوم، نظم تحریمی آمریکا در برابر اقتصاد سایه ایران و چین آزموده می‌شود. گزارش‌های روز نشان می‌دهند فشار بر ایران دیگر بدون کنترل شبکه‌های چینی، کشتی‌های سایه، شرکت‌های پوششی و اقلام دوکاربردی کامل نمی‌شود. این برای تهران فرصت تاب‌آوری ایجاد می‌کند، اما هم‌زمان پرونده ایران را عمیق‌تر به رقابت آمریکا و چین وصل می‌کند؛ جایی که فشار ثانویه می‌تواند شدیدتر و بلندمدت‌تر شود.

سوم، نظم انرژی جهانی در حال تغییر معناست. هرمز امروز اهرم ایران است، اما اگر در ذهن جهان به نماد ناامنی پایدار تبدیل شود، می‌تواند روند فاصله‌گیری از نفت و گاز آسیب‌پذیر خلیج فارس را سرعت دهد. از این زاویه، اهرم هرمز دو لبه دارد: در کوتاه‌مدت قدرت چانه‌زنی می‌سازد، اما در بلندمدت ممکن است انگیزه کاهش وابستگی به کل منطقه را افزایش دهد.

چهارم، نظم مذاکراتی سخت‌تر شده است. آمریکا نمی‌خواهد بدون پرونده هسته‌ای عقب بنشیند؛ ایران نمی‌تواند پس از جنگ، توان هسته‌ای و موشکی را به‌سادگی موضوع معامله فوری کند؛ بازار هم تا زمانی که عبور، بیمه، قیمت و مسیر تجارت عادی نشود، به هیچ اعلامیه سیاسی اعتماد کامل نخواهد کرد. بنابراین «راه خروج» دیگر یک امتیاز منفرد نیست. خروج باید به‌گونه‌ای طراحی شود که برای هیچ طرفی شکست کامل به نظر نرسد و برای بازیگران ثالث نیز هزینه غیرقابل تحمل تولید نکند.

جمع‌بندی روز: ۳۰ آوریل، هرمز همچنان مرکز بحران بود، اما میدان اصلی جنگ به اطراف آن منتقل شد؛ به کنگره آمریکا، ناوگان سایه، چین، بانک‌های مرکزی، انرژی پاک و خطوط قرمز هسته‌ای/موشکی ایران. هر تحلیلی که فقط از باز یا بسته بودن تنگه سخن بگوید، تصویر روز را کوچک می‌کند. مسئله اصلی اکنون این است که کدام طرف می‌تواند در این چند میدان هم‌زمان، فشار را به نتیجه سیاسی تبدیل کند؛ پیش از آنکه همان فشار، خودش به فرسایش تبدیل شود.